

خیر

اعطای درجه سر لشکری

به شهید پار ساکیان

درجه سرلشکری شهید محمدحسن پارساکیان (کوسه‌چی) که موردموافقت و تصویب فرماندهی معظم کل قوا قرار گرفته بود، از سوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به خانواده این شهید اهدا شد.سرلشکر پاسدار محمدباقری باحضور در منزل شهید سرلشکر پاسدار محمدحسن پارساکیان با خانواده این شهیدوالا مقام دیدار و گفت‌وگو کرد.او در این دیدار اخلاصی، تعهد، لایتمداری، پشتکار و سختکوشی در ماموریت‌های محوله در دوران دفاع‌مقدس و پس از آن را از ویژگی‌های بارز شخصیت شهید پارساکیان دانست و اظهار داشت: «شهید پارساکیان از جمله نیروهای اولیه تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شهرستان درفول بود و ما افتخار داشتیم که از اوایل دوران دفاع‌مقدس باایشان آشنا شویم و همواره ارتباط بسیار صمیمی و تنگاتنگی بین شهید حسن یاقری و این شهید عزیز برقرار بود تا جایی که در بسیاری از ماموریت‌های خطیر و عملیات‌های مهم و سر نوشت‌ساز دفاع‌مقدس این دو شهید گرفتار در کنار یکدیگر بوده‌اند.» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در ادامه به توانمندی و تخصص شهید در ابعاد مختلف پرداخت و اضافه کرد: «شهید عزیز علاوه بر توانمندی و مهارتی که در عرصه‌های مختلف نظامی داشت، توانسته بود دانش خود را در زمینه‌های گوناگون توسعه و ارتقا دهد و تا آخرین روزهای حیات مبارک و پر ثمر خود در همه مسئولیت‌ها و ماموریت‌ها سر بلند و سرفراز، بی‌وزنی‌ها و موفقیت‌بتری را به‌دست آورد.» شهید سرلشکر محمد حسن پارساکیان (کوسه‌چی) در اسفندماه سال ۱۳۹۹ پس از ۴۳سال خدمت صادقانه و مخلصانه و تحمل رنج بیماری ناشی از جراحات دوران دفاع‌مقدس، به‌دلیل حضور در زمایش عملیاتی نیروهای مسلح و نظارت بر روند اجرای آن به بیماری کرونا مبتلا شد و به لقائالله پیوست.

برشی از کتاب

روایتی از ننه عبدالله

غروب هجدهم مهر، عبدالله و محمود پیش من آمدند و گفتند ننه و آقا شنیدیداند تو شهید شدی، خیلی بی تابی می کننـد، بی برویم سری به آشنایانیم.
گفتم: «هنی توانم این جا رول کنم.»
عبدالله گفت: «لان می رویم، آخر شب برمی گردیم.»

خجالت می کشیدم بگویم می خواهم بروم به خانواده سر بزنم؟ حتی از خودم خجالت می کشیدم. بی صدا، بدون آنکه به کسی بگویم سوار ماشین شدم. رسول را هم کنار مسجد جامع پیدا کردیم. از غلامرضا خبری نداشتیم، من و عبدالله و رسول و محمود به‌طرف آبادان حرکت کردیم…

به خانه خواهرم رسیدیم. مادرم تا ما را دید غش کرد… مادرم کمی که حالش جا آمد، گفت: «مثل

بچگی‌های‌تان باید شما را حمام کنم.»

یک تخت چوبی تسوی حیاط بود. یکی یکی لباس‌های‌مان را درآورد، روی تخت نشاند، دامادمان با سطل از نهر آب می آورد و به بدنتش می‌داد، با پودر رخت‌شویی سر و بدن‌ش را شست و لیف کشید. خجالت می کشیدیم. عین بچه‌های کوچک روی تخت نشستیم، همگام بگذار دل ننه راضی شود. وقتی همه ما را حمام کرد، گفت:

«آخی، دلم خنک شد، راحت شدم.»

از کتاب «پسرهای ننه عبدالله؛ خاطرات محمد نورانی» نوشته سعید اعلامیان

خیر

یونانی‌ی «سلام بر ابراهیم»

آماده پخش شد

نسخه سینمایی یونانی‌ی «سلام بر ابراهیم» با کیفیت 4k در مرکز یونانی‌ی صبا آماده پخش شد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی سیما، این یونانی‌ی درباره شهید ابراهیم هادی ملقب به «علمدار کمیل» است و سلحشوری‌ها و رشادت‌های این سرباز ارجمند (ره) را روایت می‌کند.

محمدرحیم لیوانسی، رئیس مرکز یونانی‌ی صبا با اشاره به تأکید مقام معظم رهبری درباره ادامه ساخت یونانی‌ی‌های درباره شخصیت‌های ملی و میهنی گفت: «مجموعه صبا در حوزه تاریخ معاصر و دفاع مقدس یونانی‌ی‌های زیادی را تولید کرده و جدیدترین آن با عنوان «سلام بر ابراهیم» بوده که درباره شهید هادی است. این شهید بزرگوار می‌تواند الگوی مناسبی برای جوانان و نوجوانان باشد و این اثر برشی از زندگی دلاور مردی‌های رزمندگان دفاع مقدس را روایت می‌کند. همچنین ناگفته‌هایی از زندگی این شهید وجود دارد که هم‌اکنون در قاب تصویر به نمایش درآمده و به یونانی‌ی «سلام بر ابراهیم» رنگ و بوی یکر بودن داده است. پس از اکران نسخه سینمایی، فصل اول این مجموعه ۱۰۰ قسمتی از شبکه‌های سیما نیز روی آنتن خواهد رفت.»

اسدالله دیانتی، تهیه‌کننده این یونانی‌ی هم درباره این مجموعه گفت: «این یونانی‌ی به چهار فصل تقسیم شده است؛ فصل کودکی تا سنن نوجوانی، نوجوانی تا انقلاب و تحولاتی که از نظر شخصیتی برای شهید ابراهیم پیش آمده، وقایع انقلاب که در جبهه غرب برای وی رخ داده و در نهایت تا انتهای فصل سوم تا پایان فصل آخر رویدادهایی که در جبهه جنوب و کانال کمیل رخ داده، بازگو می‌شود.»

ایتارومقاومت



عاشقانه‌های مسافری از ژاپن

بازخوانی زندگی «کونیکو یامامورا»، مادر ژاپنی شهید «محمد بابایی»



اینجا در اتاق مراقبت‌های ویژه بیمارستان خاتم‌الانبیاء(ص) مادر شهیدی روی تخت خوابیده: آرام و بی حرکت، چهره رنگ پریده



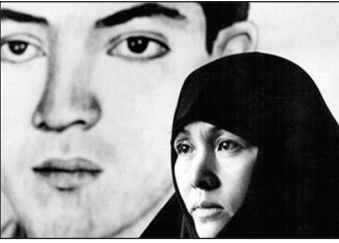
مژگان مهربانی
روزنامه‌نگار

و مهربانی‌اش چقدر دوست داشتنی است. تا یکی،دوماه پیش سرحال بود و پرانرژی؛ یعنی اجازه نمی‌داد کهولت و بیماری خانه‌نشین‌اش کند اما حالا… دیدن این بانو در این حال اگرچه بار غمی را به دل می‌نشاند اما می‌توان گفت حضورش برای هر کدام از ما ایرانی‌ها مایه افتخار است. کونیکو یامامورا یا همان سبا بابایی، مادر شهید محمد بابایی در سال‌های دور، درست بیش از ۶دهه پیش با گرویدن به دین اسلام و از دواج با اسدالله بابایی تحولی در زندگی خود ایجاد کرد: آنقدر که می‌توان گفت سبک زندگی او امروز می‌تواند برای هر کدام از بانوان ایرانی الگو باشد. بانو یامامورا در بمیوه انقلاب، زمینه فعالیت‌های سیاسی را برای خانواده‌اش فراهم کرده و خودش هم یکی از مبارزان انقلابی بود. با شروع جنگ هم فرزندان‌ش را روانه جبهه کرد. سلمان در همان سال‌های اول جنگ مجروح شد و هنوز روند بهبودی‌اش را طی نکرده بود که محمد راهی شد. او نخستین مادر شهیدی است که اصیلت ایرانی ندارد اما همواره قلبش برای ایران تپیده است. یامامورا بعد از شهادت محمد بیش از پیش برای حفظ ارزش‌های اسلامی و ایرانی تلاش کرد تا جایی که او را به‌عنوان «مادر موزه صلح ایران» انتخاب کردند. پیش‌تر با او گفت‌وگو داشتیم و اینک ضمن آرزوی سلامتی برای او بخشی از مصاحبه‌اش را مرور می‌کنیم.

چه‌کسی باور می‌کند بانویی‌که تا چند وقت پیش مادر موزه صلح بوده و فعالیت‌های زیادی در عرصه فرهنگی داشته اینطور بی‌رقم روی تخت افتاده باشد. چقدر زود دیر شد. انگار همین دیروز بود که مهمانش شدیم؛ چه صلابت حرف می‌زد و چه مطمئن. معتقد بود مسیر درستی را انتخاب کرده است. با اینکه ۴۳سال از آمدنش به ایران می‌گذشت اما هنوز کلامش لهجه داشت. می‌گفت: «در شهر آسیبا به دنیا آمدم. یکی از شهرهای سرسبز و زیبای ژاپن. دین‌مان بودایی بود. البته من خیلی آن را باور نداشتیم و فقط از مادر بزرگم که زنی مذهبی بود تقلید می‌کردم.» اما اینکه چه‌طور دلش گرفتار مردی‌شد که نه هم کیش او بود و نه هم‌وطنش، ماجرای جالبی داشت که آن را با آب و تاب تعریف می‌کرد: «من به کلاس زبان انگلیسی می‌رفتم. یک روز اسدالله، همسر مرحوم‌ام همراه با دوستش به کلاس ما آمدند. پسر سربه‌زیری بود. راستش نمی‌دانستم که این مرد، مسلمان است. دیدم هنگام ظهر او از جا برخاست و گوشه کلاس پارچه‌ای پهن کرد و مرتب کلماتی را به زبان می‌آورد و خم و راست می‌شد. رفتارش عجیب بود. با خودم گفتم نکند به سرش زده است. دیدم بچه‌های کلاس هم همین نظر را داشتند. اما او در کمال خونسردی کارش را می‌کرد.»

دختر بودایی‌که مسلمان شد

فردای آن روز مرد خارجی وارد کلاس شد.



جامانده دانشگاه علم و صنعت از فگه پر کشید

سال ۶۱محمد می‌خواست به جبهه برود. پیش‌تر سلمان برادر بزرگ‌ترش رفته بود. به مادر گفت: «امام خمینی(ره) گفته نباید جبهه‌ها خالی بماند. پس وظیفه من است که بروم.» بااینکه سلمان مجروح شده بود اما کونیکو مخالفتی با رفتن محمد نکرد. خودش سساک سفر او را رست. می‌گفت: «می‌دانستم مسیر درستی را می‌رود. آخ‌رش سعادت و بیروزی او است. برای همین مانعش نشدم.» محمد راهی‌شد و بعد از مدتی به تهران برگشت تا در آزمون ورودی دانشگاه شرکت کند. چند روز ماند و دوباره به جبهه رفت. بانو یامامورا چ‌حالی‌شد از بازگو کردن آخرین روزهایی که با محمد داشته است: «گاهی پیش می‌آمد موهای محمد را خودم

یامامورا از شروع زندگی مشترک‌شان گفت، که چه ساده و بی‌الایش آن را شروع کردند. می‌گفت: «تصور می‌کردم به محض ازدواج به ایران می‌رویم. اما آقای بابایی گفت تا به دنیا آمدن فرزندانم ژاپن می‌مانیم. می‌خواست پدر و مادر نخستین نوزدشان را ببینند. شاید هم می‌خواست خیلی پدر را راحت کند که همه چیز خوب پیش می‌رود. دوره بارداری‌ام را پیش خانواده‌ام بودم. پسرم سلمان ۱۰ ماهه بود که به ایران آمدم. آن هم نه با هواپیما، من را با کشتی آورد. تفریحی؛ بندر به بندر. می‌خواست به من خوش بگذرد. همینطور هم شد.» بانو چه زیبا می‌گفت از روزهای عاشقانه‌ای که با همسرش داشته و اینکه از زمان ازدواجشان تا امروز هیچ وقت احساس پشیمانی نکرده است. می‌گفت: «اسدالله جای همه اعضای خانواده‌ام را پر کرده بود. شخصیت خوب و دوست‌داشتنی‌اش اجازه نمی‌داد خیلی احساس کنیم. آشنیزی‌اش هم خیلی خوب بود. زمینه آرامش و رفاه را برایم فراهم کرده بود. او در آمد خوبی داشت اما ترجیح می‌داد زندگی تجملی نداشته باشیم. بخشی از درآمدش را صرف امور خیر می‌کرد؛ کمک به نیازمندان، ساختن مدرسه و درمانگاه و همچنین مسجد. خودش هم مسجدی بود. نماز را در مسجد می‌خواند. سلمان، بلقیس و محمد را هم همین گونه تربیت کرد.»

من را با کشتی به ایران آورد

بانو یامامورا خاطرات ازدواج‌شان را جذاب تعریف می‌کرد. از روزی که برای جاری شدن خطبه عقد به شهر کوبه رفته بودند. آخر اغلب مسلمان‌های ژاپن در شهر کوبه زندگی می‌کردند. کونیکو و اسدالله هم برای همین راهی آن‌جا شدند. ابتدا عروس خاتم در مسجد اسلام آورد و بعد هم مراسم عقدشان بر گزار شد. کونیکو همان روز نام «سبا» را برای خود انتخاب کرد. این نام را چقدر دوست داشت. بانو

کوتاه می‌کردم. بار آخری که آمده بود داشتیم این کار را می‌کردم. وقتی اصلاحش تمام شد و از جا بلند شد فامتش را که دیدم تاخود آگاه گفتم یا ابوالفضل (ع) «هیبت و قامت رعنایش بدجور با دل مادر بازی کرد. محمد در بین صحبت‌هایش حرفی زد که دل مادر را لرزاند. بی‌مقدمه گفتم: «این بار بروم اقی برمی‌گردم.» انگار می‌دانست که بازگشتی در راه نیست. پسر ۱۹ساله کونیکو، سال ۶۲ و در عملیات والفجر یک در فکه شهید شد. بعداز شهادت‌ش روزنامه پذیرفته‌شدگان آزمون سراسری به‌دست مادر رسید. از بالا تا پایین چشم انداخت و جست‌وجو کرد. درست دیده بود. «محمد بابایی، فرزند اسدالله، کارشناسی رشته متالوژی دانشگاه علم و صنعت.»



عاشقانه‌های مسافری از ژاپن



محمد بود. او تعریف می‌کرد: «یک روز هم گاردی‌ها به خانه‌مان هجوم برده و همه جا را زیر و رو کردند اما هر چه گشتند چیزی در آنجا نداشتند. کارها را تقسیم کرده بودیم؛ من و دخترم کت مولوتوف درست می‌کردیم یا برای جروح‌ران پارچه فراهم می‌کردیم. محمد و سلمان هم شعبه‌های توزیع نفت را یکی‌یکی می‌رفتنند و برای مردم نفت تهیه می‌کردند.» با شروع جنگ تحمیلی فصل دیگری زندگی دانشگاه. چند سسالی هم در موزه صلح تهران با عنوان مادر موزه صلح فعالیت کرد. بیشتر هم هدفش این بود که دانش آموزان را با تاریخ کشور بعد از پیروزی انقلاب آشنا کند. او حتی در مسابقات پارالمپیک توکیو به عنوان سرپرست نمادین کاروان ایران راهی کشور خود شد و باز یکشان ایرانی را تشویق کرد. حالا او در بستر بیماری است. مادر شهید محمد بابایی. کسی که مثل هزاران مادر شهید ایران‌زمین به گردن تک‌تک ما حق دارد. برایش دعا کنیم تا سلامت به خانه بر گردد.



خیر

مسئول بسیج عشایری کشور:

رویکردهای کنگره شهدای عشایری استمرار و تداوم خواهد یافت



اجلاسیه نهایی کنگره ملی ۱۱هزار شهید جامعه عشایری کشور با حضور سردار سلمی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دیروز (۳۱خرداد) در شهر کرد بر گزار شد. احمد

سعیدی، مسئول بسیج عشایری کشور در مراسم اختتامیه این کنگره ملی ۱۱هزار شهید جامعه عشایری کشور گفت: دفاع مقدس صحیفه کریمه‌ای است که آیات آن، راه‌مردان و پارسایانی هستند که هستی خود را در طبق اخلاص نهاده‌اند و سوار بر مرکب عشق تا جادوانگی تاریخ ناخند و مضمون عشق، ایثار، عزت، عدالت و شرف را در بستر کارزار همیشه حق و باطل نگاشته و رسم و آیین نو در انداختند که قطعاً نام عشایر و فرزندان آن بر تارک تاریخ ایران اسلامی و اسال دفاع مقدس خواهد درخشید.

وی افزود: به لطف خداوند قادر متعال، در پرتو تدابیر حکیمانه رهبر معظم انقلاب، مبنی بر گرامیداشت یاد و نام و راه شهدا و با هدایت

راهبری ریاست سازمان بسیج مستضعفین و باهمت و تلاش فرماندهان

و مسئولان رده‌های مقاومت بسیج عشایری در ۳سال گذشته، مقدمات

برگزاری کنگره ملی بیش از ۱۱هزار شهید جامعه عشایر کشور با

آرویگرد فراهم شد.

برگزاری ۳هزار یادواره پایگاهی، حوزه‌ای و استانی و ملی برای بزرگداشت شهدای عشایر

سعیدی در ادامه با اشاره به رویکرد فرهنگی کنگره گفت: در رویکرد فرهنگی، آمار و اطلاعات بیش از ۱۱هزار شهید جمع‌آوری و در سایت «شهدای لیل» در بستر فضای مجازی بارگذاری شد. وی افزود: در راستای برگزاری کنگره بیش از ۳هزار یادواره شهدا در سطح پایگاهی، حوزه‌ای و استانی و ملی و ۱۰۸۰ شهید فرهنگی دانش آموز عشایر و یادواره ملی ۲۱۶شهید زن عشایر برگزار شد. مسئول بسیج عشایری کشور گفت: از جمله اقداماتی که در این کنگره انجام شده چاپ و نشر ۲۱عنوان کتاب ویژه شهدای شاخص عشایر و همینطور مستندهای تلویزیونی با موضوع نقش عشایر در دفاع مقدس است. وی افزود: برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، ورزشی، بازی‌های بومی محلی و برگزاری مسابقه سراسری تیراندازی ویژه بسیجیان عشایر از دیگر اقدامات فرهنگی کنگره بود. سعیدی با اشاره به ذوق شعر و ادب در بین عشایر گفت: شبی را نیز در این کنگره به شب شعر شهدای ایل اختصاص دادیم و شعرای برتر اقوام گرد هم آمدند و اشعار خود را قرائت کردند. مسئول بسیج عشایری کشور گفت: عشایر نه تنها در ۸سال جنگ تحمیلی حضور فعال داشتند، بلکه در جبهه مقاومت هم خوش درخشیدند و ۵۷شهید تقدیم کردند و در دومین شب از مراسم کنگره یادواره شهدای مدافع حرم را برگزار کردیم.

راه‌اندازی ۱۲۷۰گروه جهادی تخصصی برای خدمت به عشایر
سعیدی در ادامه به تشریح رویکرد دوم کنگره اشاره کرد و گفت: در این رویکرد ما به خدمات‌رسانی به عشایر و محرومیت‌زدایی از مناطق عشایری پرداختیم که اقدامات ارزنده‌ای در این زمینه انجام شد. وی گفت: راه‌اندازی بیش از ۱۲۷۰گروه جهادی و تخصصی و حال خدمت‌رسانی و محرومیت‌زدایی در عرصه‌های مختلف از جمله کمک به حل مشکل کم‌آبی، ساخت و تعمیر مساجد، حسینیه‌ها، مدارس، خانه درمان، سرویس بهداشتی، حمام ثابت و سیار، ساخت اینشور دام و حمام خدکنه و دیگر نیازمندی‌ها هستیم. کاشت بیش از ۱۸۳ هزار اصله درخت در مناطق عشایری مشارکت کردیم. عشایر غیور نیز را راه‌اندازی پوشش‌های نذر قربانی و اهدای دام سبک و سنگین به تعداد بیش از ۲۲هزار رأس دام، در نهشت کمک‌های مؤمنانه مشارکت کردند. سعیدی گفت: در راستای حل مسائل و ارائه خدمات تخصصی مورد نیاز عشایر و با هدف افزایش بهره‌وری دام در قالب «طرح همگام با عشایر»، اقدام به تشکیل شبکه دامداران و مدرسن کرب و به هم‌رسماسزی گروه‌های جهادی تخصصی در کنار نهادهای ارگان‌های مربوطه، اقدام به واکنش‌جویی در دهان بیش از ۷میلیون +۰۰هزار رأس دام سبک عشایر و برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای دامداران عشایر کردیم و با تکیه بر علوم دانش‌بنیان و با مشارکت با مراکز علمی، تلاش برای احیای نژادهای اصل بومی دام را در دستور کار قرار دادیم. سعیدی در ادامه گفت: ارائه خدمات تخصصی پزشکی، دندانپزشکی و پیراپزشکی در کنار حضور مسئولان ملی و استانی در قالب میز خدمت ادارات و نهادهای در مناطق عشایری از دیگر خدمات به عشایر بوده است.

وحدت اقوام و مذاهب از رویکردهای کنگره شهدای عشایری است
سعیدی در ادامه گفت: از آنجایی که وحدت، رمز پیروزی انقلاب و به‌عنوان یک مسئله استراتژیک و از اصول اسلام است و دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در تلاشند تا هر رخنه، روزنه و شکافی بین اقوام، ایلات، طوایف و مذاهب اختلاف ایجاد کنند، لذا در سازمان بسیج عشایری با شناسایی و تهیه بانک اطلاعاتی سران، بزرگان و معتمدین جامعه عشایر در سطح مختلف و با ایجاد تعامل و ارتباط مستمر و استفاده از همه ظرفیت‌های موجود، تلاش می‌کنیم نسبت به وحدت بیش از پیش و همگرایی و همسویی با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران گام برداشتیم؛ یکی از رویکردهای کنگره را با همین عنوان نامگذاری کردیم؛ کما اینکه در دفاع مقدس نیز رنگین کمان اقوام و مذاهب در ذیل پرچم جمهوری اسلامی ایران و بیرق ولایت، در جبهه‌های واحد با دشمن متخاصم جنگیدند. وی افزود: آنچه مهم‌تر از ارائه گزارش اقدامات انجام گرفته است، استمرار و تداوم رویکردهای کنگره است که در توفیق شرفیابی به هویت‌دهی و شناسن و مقام‌الوای آن است و قابل مقایسه با وضعیت تکیه‌فروندی. سعیدی تأکید کرد: جامعه عشایری با همه ظرفیت‌هایی که در عرصه‌های مختلف از جمله تولید ۵۰۷رصد از گوشت قرمز و نقش آن در تأمین امنیت غذایی کشور، حضور در ۵۵۹رصد از مساحت جمهوری اسلامی ایران و تأمین امنیت پایدار مردمی و پدافند غیر عامل، تولید ۳۵رصد از محصولات صنایع دستی، میراث‌ثاری از فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی و دیگر عرصه‌ها داراست و تا کیدات امامین انقلاب بر رسیدگی به امورات عشایر، که البته وضعیت موجود جامعه عشایر و خدماتی که نظام مقدس جمهوری اسلامی به عشایر داشته، که از همه مهم‌تر، هویت‌دهی و شناسن و مقام‌الوای آن است و قابل مقایسه با وضعیت عشایر قبل از انقلاب نیست، اما نیازمند توجه و حمایت بیش از پیش مسئولان دولسو و انقلابی است؛ چراکه باور و یقین داریم که اعتبار مردم‌مانی هستند قابل تقدیر، قابل ستایش و آنقدر ارزشمند که خود را خادم آنها بدانیم، البته این یقین و باور بر گرفته از اصول و رویکردهای انقلاب و امامین به عشایر عزیز بوده است.